

گذشته، حال یا آینده در ردصلاحیتِ حسن روحانی

قُبَحِ قضیه کجاست؟



مهرداد خدیر

معاون سردبیر

خبر رَدصلاحیتِ حسن روحانی، رئیس‌جمهوری پیشین ایران از منظرهای مختلف، نقد و تحلیل شده و خواهد شد و در شمارهٔ امروز هم به جنبه‌های گوناگون آن پرداخته شده است.

برخی و از جمله خود آقای روحانی بر گذشتهٔ سیاسی او تأکید ورزیده‌اند و اینکه چگونه با این سابقه چنین امری می‌تواند موجب‌اشد.

جدای ۸ سال ریاست‌جمهوری که مطابق اصل ۱۱۳ قانون اساسی «عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری» است، به این مناصب و مسئولیت‌ها اشاره شده است: «پنج دوره نمایندگی در مجلس شورای اسلامی، سه دوره نمایندگی مجلس خبرگان رهبری، دو دوره ریاست‌جمهوری و عضویت و ریاست در برخی از شوراهای تصمیم‌گیری نظام و مشخصاًدبیری شوراییعالی امنیت ملی از ۶۸ تا ۸۴.»

کسانی چون محمد مهاجری، روزنامه‌نگار -با گرایش طیف اصول‌گرای میانه- این گذشته را کمی عقب‌تر برده‌و از شورای نگهبان پرسیده‌اند از بین شما کدام یک جرأت داشت در سال ۱۳۵۶ نام آیت‌الله خمینی را روی منبر با لفظ «امام» بیاورد؟ [اشاره به مجلس ترحیم حاج مصطفی خمینی در مسجد ارک.]

بعضی چون مهندس عباس عبدی از منطری متفاوت گفته‌اند مشکل در «گذشته» نیست، بر سر «آینده» است.

در این میان آقای حسین شرعتمداری، رئیس کیهان اما در مصاحبه با خبرگزاری فارس سه نبر «گذشته» درنگ کرده‌نه‌به «آینده» پرداخته بلکه این سخن امام خمینی را یادآور شده که «میزان، حال فعلی افراداست.»

این در حالی است که رهبر فقید انقلاب این جمله را در بحث گزینش‌ها و به منظور نکاویدن مستمر سوابق افراد با تأکید بر وضعیت فعلی افراد و آسان‌گیری گفته بود نه اینکه شورای نگهبان دایرهٔ تأیید صلاحیت‌ها را دوره به دوره تنگ‌تر کند تا کار به جایی برسد که سه رئیس‌جمهوری سابق را که خود در یک مورد دو مرتبه و در قفزه دیگر چند بار تأیید کرده هم حذف کند یا رئیس سه دورهٔ مجلس شورای اسلامی را که خود منتخب نمایندگان غربال شده با نظرات استصوابی بوده است.

جدای این گذشته‌و حال و آینده در مصاحبه‌پیش گفته این جمله هم جلب‌توجه‌می‌کند:

«توده‌های عظیم مردم از تأییدصلاحیت ایشان دور دوم انتخابات‌متعجب بودند و گلایه داشتند که با توجه به عملکرد و مواضع آقای روحانی در دور اول ریاست‌جمهوری، چرا شورای نگهبان برای بار دوم نیز صلاحیت ایشان را تأیید کرده است؟»

به‌عبارت دیگر آن ۲۴ میلیون ایرانی که من نویسنده و به احتمال قریب به یقین شمای خواننده هم در زمرهٔ آنان هستید، انگار ذیل «توده‌های عظیم مردم» قرار نمی‌گیرند چراکه اگر از تأیید صلاحیت رئیس‌جمهوری مستقر در سال ۹۶ متعجب و گلهمند بودند، طبعاًاین

ناخرسندی را با رأی ندانن به او ابراز می‌کردند و گله و شکوه و بعضاً ابراز پشیمانی هم از سر علاقه‌به طرف مقابل نبود. به خاطر انفعال و تن دادن به پاره‌ای فشارها بود و البته روحانی هم در مقام توجیه گفته بود اولویت او حفظ برجام و درنفتانن و درنفتلیدن کشور به ورطهٔ جنگ پس از خروج از برجام بود که بحثی است دیگر.

با این نگاه رَدصلاحیتِ روحانی، بی‌احترامی به خود او نیست که در شمار سیاستمداران نازک‌نازنجی قرار ندارد و مدل احمد قوام را برگزیده بود نه دکتر مصدق را که اگر چه جان سخت بود اما در جلب افکار عمومی گاه به اتخاذ روش‌های پوپولیستی هم متهم می‌شد.

کیست که بتواند انکار کند رَدصلاحیت‌هاشمی‌رفسنجانی در سال ۹۲ به اقبال بیشتر به او در انتخابات ۹۴ و حضور بیشتر مردم در تشییع جنازهٔ دی ۹۵ انجامید؟

روحانی البته نه انتخابات دیگری در پیش دارد و این بازیِ آخر برای او بوده‌نه قاعدتاًبه‌شماربدوکنندگان بعد از حیات‌می‌اندیشد. اهانت اصلی را باید متوجه مردمی دانست که اگر چه بخش قابل توجهی از آنان بعد از انتخابات ۹۶ به دلایل متعدد، منتقد شدند اما به روز هر بر گه رأی نوشته بودند: حسن روحانی.

با این نگاه اگر قرار بر رَدصلاحیت بود همان‌ها صالح‌ترین بودند در این تشخیص نه جمعی که به خود اجازهٔ چیدمان می‌دهد و نام آن را تعیین صلاحیت می‌گذارند و دوره به دوره مثل مغازه‌داری که دکور وینترین را تغییر می‌دهد، برای خود حق تجدید چیدمان قائل‌اند.

در کارنامهٔ این شورورا رَدصلاحیت قائم‌مقام سابق خودشان (سیدرضا زواره‌ای) هم دیده می‌شود که دو بار برای نامزدی ریاست‌جمهوری در سال‌های ۶۰ و ۷۶ تأیید شده بود و سال ۸۴ در حالی رد شد که تا یک سال قبل از آن قائم‌مقام شورا بود!

مجید انصاری رَدصلاحیتِ محمود علوی وزیر پیشین اطلاعات را «وهن نظام» خوانده اما به این سیاق رَدصلاحیتِ حسن روحانی را می‌توان «وهن مردم» دانست و این سخن به معنی آن نیست که او نماد مردم ایران است چراکه ریاست‌جمهوری او هم در غیاب

گزینه‌های دیگر محقق شد.

می‌توانند توجیه کنند اگر نظرات استصوابی نبود که هاشمی‌فسنجانی را کنار زد روحانی به ریاست‌جمهوری نمی‌رسید ولی در این نوشته‌بحث بر سر او نیست. دربارهٔ ۲۴ میلیون نفری است که نام او را روی برگه نوشته‌و به صدوق انداختند.

حتی بحث بر سر این نیست که چند نفر از آنان به جای «نه» به رقیب و گفتمان او یا «آری» به برجام و توافق و تعامل و آشتی با جهان به او رأی دادند و چه میزان از آنان بدتر سر خورده شدند و در سال‌های ۹۸ و ۱۴۰۰ ر جیح دادند «نه» را نه با نام یک نفر که به شکل دیگری ابراز کنند.

قیح قضیه در این نیست که بر نام روحانی قلم فرمز کشیدند که هم حزبی هم صنف و هم لباس خودشان است و حرمت امام‌زاده را متولی باید بیشتر نگاه‌دارد.

قیح قضیه در این است که این نام را ۲۴ میلیون ایرانی برای ریاست‌جمهوری صالح تشخیص داده بودند و بخشی از همان‌ها که در استان تهران ساکن‌اند صالح‌ترین بودند در تشخیص اینکه بر کرسی خبرگان بنشیند یا نه اگر چه از حامیان گفتمان روحانی ذوق و شوق ۹۴ و ۹۶ دیده نمی‌شود.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

تکلیف جدید برای اسرائیل

حکم دادگاه لاهه در خصوص شکایت آفریقای جنوبی از اسرائیل به اتهام نسل‌کشی در غزه صادر شد

گروه خبر: حکم دیوان دادگستری لاهه که با شکایت آفریقای جنوبی علیه اسرائیل مبنی بر نسل‌کشی مردم فلسطین در غزه مطرح شده بود، روز جمعه صادر شد و به «اقدامات اضطراری و موقت» برای تعلیق فعالیت‌های نظامی اسرائیل در غزه رای داد. آفریقای جنوبی با این اتهام که اسرائیل در جریان عملیات نظامی خود در نوار غزه، کنوانسیون منع نسل‌کشی ۱۹۴۸ را نقض کرده است، در روز ۲۹ دسامبر شکایتی را علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرد. در سال ۱۹۴۸ میلادی که اسرائیل اعلام موجودیت کرد و سه‌سال از پایان جنگ جهانی دوم سپری شده بود، پیمان نسل‌کشی در سازمان ملل در ارتباط با کشتار یهودیان در اروپا در حکومت نازی‌ها در آلمان تصویب شد. پیمان با عنوان کامل «کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی» از سال ۱۹۵۱ لازم‌الاجرا شد. دو انتظار عمده در مورد رای این دادگاه وجود داشت تا در مورد وقوع نسل‌کشی در غزه و درخواست آتش‌بس فوری نظر بدهد و با انتشار رای هم دو تفسیر متفاوت درباره آن ارائه شد.

این دادگاه در حکم روز جمعه صلاحیت خود را برای رسیدگی به این پرونده تأیید کرد و از اسرائیل خواست برای جلوگیری از نسل‌کشی اقدام کند. دیوان بین‌المللی دادگستری مستقر در لاهه طی دو روز به بررسی شواهد ارائه‌شده و نیز دفاعیات نماینده تل آویو پرداخت. حکم دادگاه در دو موضوع لزوم توقف اقداماتی که منجر به نسل‌کشی می‌شود و تحریک به نسل‌کشی در گفتار رسمی مسئولین با ۱۵ و ۱۶ رای موافق از ۱۷ رای مبنی بر محکومیت اسرائیل صادر شد.

«جسوان داناهیو»، رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری با قرائت حکم اولیه این دادگاه گفت: این دادگاه از فاجعه کنونی در غزه اطلاع دارد و قتل مستمر در آنجا را محکوم می‌کند. دامنه اختیارات دادگاه در این زمینه به دلیل درخواست ارائه‌شده از سوی آفریقای جنوبی محدود است. اگر شرایط با‌ماده هفت و ۹ منشور دادگاه مطابقت داشته باشد، دادگاه می‌تواند تدابیر موقت را اتخاذ کند. آفریقای جنوبی طی جلسات آنچه را که در غزه رخ می‌دهد نقض توافقنامه درباره منع نسل‌کشی دانست. اما دادگاه در حال حاضر حکم نخواهد کرد که آیا اسرائیل تعهدات مربوط به این توافقنامه را نقض کرده است یا خیر. با این حال دادگاه در خواست اسرائیل برای کنار گذاشتن پرونده وارد می‌کند. تمام طرف‌های عضو می‌توانند در صورتی که طرف دیگری مرتکب نقض‌هایی شود، آن را به دادگاه بکشانند. آفریقای جنوبی گزارش‌هایی را درباره نقض توافق منع کشتار جمعی و نسل‌کشی در غزه توسط اسرائیل ارائه کرد. اما دادگاه در حال حاضر تصمیمی را در خصوص اینکه آیا کشتار جمعی اتفاق افتاده یا خیر نخواهد گرفت اما درباره امکان وقوع کشتار جمعی حکم خواهد داد. ما پرونده کشتار جمعی علیه اسرائیل را رد نمی‌کنیم و درباره حکم دادن به اقدامات اضطراری اختیار داریم. اطلاعات نشان می‌دهد که بیش از ۲۵ هزار فلسطینی کشته و بیش از ۲ میلیون نفر طی جنگ آواره شده‌اند. ملت فلسطین بر اساس توافقنامه منع کشتار جمعی تحت حمایت هستند. گزارش‌های اولیه نشان می‌دهد غزه به مکان ناامیدی و مرگ تبدیل شده است.

رئیس دادگاه بین‌المللی دادگستری تصریح کرد: ما گزارش آتروا

گزارش یک

تکلیف جدید برای اسرائیل

حکم دادگاه لاهه در خصوص شکایت آفریقای جنوبی از اسرائیل به اتهام نسل‌کشی در غزه صادر شد

(ژانرس امداد و کار سازمان ملل برای فلسطین) در ۱۳ ژانویه را در دست‌مان داریم که در آن تأکید شده از این جنگ ویرانگر بیش از ۱۰۰ روز گذشته و بمباران غزه همچنان ادامه دارد و موجب آوارگی تعداد زیادی از ساکنان شده است. بیش از ۲ میلیون نفر آسیب دیده‌اند. از نظر جسمی و روانی آسیب دیده‌اند و کودکان در رعب و وحشت به سر می‌برند. سازمان جهانی بهداشت ۲۱ دسامبر اعلام کرد ۹۳ درصد ساکنان غزه با سطح بی‌سابقه‌ای از گرسنگی و سوءتغذیه مواجه هستند. یوآو گالات، وزیر جنگ اسرائیل، غزه را تحت محاصره کامل قرار داد و آب و برق و سوخت غزه را قطع کرد. وی مردم غزه را حیوانات انسانی توصیف کرد. حقوقی که آفریقای جنوبی خواهان آن شده قابل اجراست و آن حمایت از فلسطینی‌ها در برابر کشتار جمعی است. گزارش‌ها و اسناد ارائه‌شده توسط آفریقای جنوبی معقول و منطقی است و در نتیجه دادگاه باید آن را بررسی کند. فلسطینی‌های غزه حق دارند در برابر کشتار جمعی حمایت‌شوند.

رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری تأکید کرد: شروط برای اتخاذ تدابیر موقت فراهم است. اسرائیل باید اقدامات لازم را برای ممانعت از قتل یک مجموعه از انسان‌ها یا آسیب رساندن شدید به آن‌ها اتخاذ کند. اسرائیل باید تمام اقدامات لازم را برای ممانعت از کشتار جمعی و نسل‌کشی در غزه اتخاذ کند. اسرائیل باید فوراً تدابیری را برای ممانعت از ویرانی و تخریب در غزه اتخاذ کرده و گزارش‌ها را به دادگاه درباره تمام تدابیر موقت ظرف یک ماه ارائه کند. در این حکم آمده است: اسرائیل باید تضمین کند که نیروهایش مرتکب کشتار جمعی نشوند. همچنین باید اقداماتی را برای بهبود وضعیت انسانی در غزه اتخاذ کند. غیرنظامیان در غزه با وضعیت بسیار دشواری مواجه هستند. اقدامات اسرائیل برای از بین بردن خطرات ناشی از اجحاف در حق فلسطینی‌ها کافی نیست. ما اقدامات اضطراری را در براره پرونده نسل‌کشی در غزه توسط اسرائیل اتخاذ می‌کنیم. اسرائیل باید فراهم کردن فوری کمک‌های لازم برای مردم غزه را تضمین کند. باید تمام طرف‌های درگیر در غزه به قوانین بین‌المللی پایبند باشند و گروهان‌ها را فوراً و بدون شرط آزاد کنند. ۱۵ قاضی در دادگاه رأی موافق دادند که باید اسرائیل تدابیری را برای ممانعت از کشتار جمعی اتخاذکند.

▼ واکنش‌ها به رای دادگاه

به دنبال رد شدن در خواست اسرائیل برای رد دادخواست «نسل‌کشی» این کشور در دیوان بین‌المللی دادگستری، نخست‌وزیر اسرائیل این تصمیم را «لکه‌نگ» خواند و آفریقای جنوبی که دادخواست علیه اسرائیل را به دیوان داده بود، از حکم دادگاه لاهه به‌عنوان «پیروزی قاطع» برای حاکمیت قانون بین‌المللی استقبال کرد. اداره روابط بین‌الملل و همکاری آفریقای جنوبی (معیادل وزارت خارجه) در بیانیه‌ای گفت که امروز «نقطه عطف مهمی در جست‌جوی عدالت برای مردم فلسطین است». آفریقای جنوبی ابراز امیدواری کرد که اسرائیل بر خلاف تهدیدش، «علیه این احکام اقدام نکند» و به‌طور کامل از آن پیروی کند. دولت پرتوریا افزود به اقدامات خود در نهادهای بین‌المللی برای حمایت از حقوق فلسطینیان در غزه ادامه خواهدداد.

گزارش دو

چرا بیمارستان گاندی سوخت؟

مدیران بیمارستان به صدور ۱۵خطار آتش‌نشانی توجهی نکرده بودند

است. اما مهم این است که در اکثر آتش‌سوزی‌های مهیب پایتخت بیشتر ساختمان‌های نایمن را به کام مرگ می‌فرستد.

▼ جنجال یک لیست محرمانه ناوشته

پس از حادثه ساختمان پلاسکو، آتش‌نشانی به شناسایی ساختمان‌های عمومی و غیرعمومی نایمن اقدام کرد. در سال ۹۸ اعلام شد که لیستی از این ساختمان‌ها تهیه شده است. اما این لیست بدون هیچ مهری محرمانه مانده بود و به گفته محسن هاشمی، رئیس سابق شورای شهر تهران درباره عدم انتشار این لیست اعلام کرده بود که «در آن زمان مسئولان امنیتی در تهران موافق انتشار چنین لیست‌هایی نبودند. نمی‌دانم امروز موافق انتشار این لیست هستند یا خیر اما فکر نمی‌کنم نظرشان تغییر کرده باشد.» پس از حادثه متروپل دوباره انتشار این لیست در صدر مطالبات جامعه قرار گرفت و محمدجعفر منتظری، دادستان وقت در رسانه ملی به صراحت اعلام کرد که انتشار این لیست محرمانه نیست. اما با وجود درخواست برخی از اعضای شورای دوره ششم شورای شهر تهران و شهروندان، این لیست به صورت رسمی منتشر نشد و نسخه‌ای منتشرشده توسط رسانه‌ها نیز نه از سوی مدیران شهری تأیید شده تکذیب.

پس از تهیه این لیست بود که مدیران شهری بیبای اعلام می‌کردند که براساس ریسک حریق ۱۲۹ ساختمان بسیار پرخطر در تهران شناسایی شده است که باید به سرعت پلمب یا رفع خطر شوند. اما مهم‌ترین موضوعی که در لیست، نگرانی‌های بسیاری را به وجود آورده بود، این است که سازمان آتش‌نشانی اعلام کرد: «۵۳۹ مرکز درمانی پرخطر را در شهر تهران شناسایی و دست‌ورعمل‌های لازم را به آنها ابلاغ کرده است. برخی از این مراکز بسیار پرخطر هستند که اگر حادثه‌ای در این مراکز درمانی رخ دهد، نمی‌توان هیچ اقدامی برای آن انجام

^[1] پس از حادثه ساختمان پلاسکو، آتش‌نشانی به شناسایی ساختمان‌های عمومی و غیرعمومی نایمن اقدام کرد

^[2] پس از حادثه ساختمان پلاسکو، آتش‌نشانی به شناسایی ساختمان‌های عمومی و غیرعمومی نایمن اقدام کرد